

* استراتژی بازدارندگی فعال هم نمی‌تواند اصلاح طلبان را نجات دهد

دادگاه مطبوعات تمامیت خواهان، در تازه‌ترین اقدام سرکوبگرانه خود امتیاز هفته‌نامه «عصرما» ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را هم لغو کرد و محمدسلامتی مدیر مسئول این نشریه را به ۲۶ ماه زندان محکوم نمود.

به دنبال این حکم، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با انتشار بیانیه‌ای خواستار کنار گذاشتن سیاست آرامش فعال و درپیش گرفتن سیاست مقاومت و بازدارندگی فعال شده است. در باره این که این سیاست جدید چیست بیانیه تاکید می‌کند که: خط مشی مقاومت و بازدارندگی فعال هم چون گذشته بر اصول اساسی اصلاح طلبی استوار است و از همان ویژه‌گی‌های تدریجی بودن، مسالمت‌آمیز بودن، قانونی بودن و دموکراتیک بودن برخوردار می‌باشد، اما به جای آرامش فعال بر مقاومت و بازدارندگی تکیه می‌کند».

به عبارت دیگر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی حتی پس از توقیف هفته‌نامه‌اش و حکم زندان سردبیرش همچنان بر ادامه سیاستی اصرار دارد که جریان اصلاح طلبی را ظرف ماههای اخیر مجاله کرده و بشدت در تنگنا قرار داده است.

علیرغم توجیهاتی که بیانیه این سازمان در باره سیاست فاجعه‌بار آرامش فعال مطرح کرده است، این سیاست که پس از تصرف کرسی‌های مجلس ششم توسط اصلاح طلبان در پیش گرفته شد، عملاً به معنای تسلیم طلبی و بازی در بساطی بود که قواعدش را ولایت فقیه و جناح تمامیت خواه حکومت تعیین و دیکته می‌کرد. آرامش فعال معنایش خودداری از واکنش شریک در برابر سرکوب، تلاش برای منحرف کردن روند ایجاد نهادهای مستقل مدنی و مسخ آنها، کشاندن درگیری‌ها به پشت پرده و چانه زنی در بالا به جای سنگربندی در پائین بود. اصل اساسی سیاست آرامش فعال حفظ نظام بود، در حالی که جنبش آزادی خواهانه مردم ایران با فرستادن اصلاح طلبان به دولت و مجلس در حقیقت اعلام کرده بود که خواستار کنار نهادن همین نظام است. بعد از مجلس ششم در شرایطی که همه نهادهای انتخابی به تصرف اصلاح طلبان درآمده بود، برای درهم شکستن مقاومت سرسختانه نهادهای ماورانتخابی جز بسیج مردم از پائین راهی وجود نداشت، اما این راه به معنای سقوط نظام بود و سقوط نظام به معنای سقوط اصلاح طلبان. اصول اساسی اصلاح طلبی که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه جدیدش بار دیگر بر آن تاکید کرده، دوباره همین خط قرمز حفظ نظام را در برابر خود قرار داده است. اما جستجوی راه میانه‌ای که نه متضمن تکیه به مردم و بسیج جنبش توده‌ای برای درهم شکستن قدرت مافیایی دستگاه ولایت باشد، نه به معنای تسلیم طلبی مطلق، بن بست جریان اصلاح طلب حکومتی را برطرف نخواهد کرد. آنها که چنین بی‌مهابا دست به سرکوب می‌زنند بهتر از همه می‌دانند که اقلیتی منفور و مشروعیت باخته‌اند. قاطعیت آنها در سرکوب از آنجا برمی‌خیزد که یک قدم عقب‌نشینی را با سقوط معادل می‌دانند و بنابراین حاضرند تا پایان خط پیش بروند. اکنون هر مقاومتی در برابر این دستگاه سرکوبگر زمینه‌توسل آنها به خشونت بیشتر است، در حالی که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌گوید که در برابر رفتار خشونت‌آمیز غیرقانونی تمامیت خواهان، رفتار قانونی را در پیش خواهد گرفت. به عبارت دیگر در قاموس اصلاح طلبان حکومتی، غرولند و آه و ناله معنایش مقاومت است. در حالی که ابزار بازدارنده تمامیت خواهان نه می‌تواند قانونی باشد، نه تدریجی باشد، نه مسالمت‌آمیز!

بازدارندگی نمی‌تواند قانونی باشد، برای این که تمامیت خواهان به هیچ قانونی پایبند نیستند و هر چه را که متضمن تقویت قدرت شان است قانون می‌نامند، بنابراین مبارزه قانونی در شرایطی که بیچارگی مجلس در این زمینه کاملاً آشکار شده است، عملاً یعنی همان سیاست آرامش فعال. سیاست بازدارندگی نمی‌تواند تدریجی باشد برای این که قید تدریجی، پیشاپیش محدودیت‌هایی را بر روند اعتراض اجتماعی و بر جنبش‌های اعتراضی تحمیل می‌کند که از درون ظرفیت‌ها، خواست‌ها و قدرت و شعاع عمل این جنبش‌ها برنمی‌خیزد، بلکه تنها نتیجه تنظیم آهنگ حرکت اعتراضی با ماهیت تحول‌ناپذیر قدرت حاکم است. تجربه چهار و سال نیم اخیر نشان می‌دهد که تحمیل چنین قیدی بر جنبش‌های اعتراضی به جای این که تمامیت خواهان را از حرکت بازدارند، جنبش‌های اعتراضی را به زیر تیغ سرکوب می‌کشاند و به سمت انفعال سوق می‌دهد. سرانجام این که بازدارندگی اصولاً نمی‌تواند مسالمت‌آمیز باشد!! اصلاح طلبان حکومتی چهاروسال نیم با وجود در دست داشتن دولت و مجلس با منت و خواهش و چانه‌زنی‌های پشت پرده - یعنی در واقع رفتار مسالمت‌آمیز با تمامیت خواهان حاکم - چه نتیجه‌ای به دست آورده‌اند، که حالا می‌خواهند با ادامه این روش بدست آورند؟

اصول اساسی اصلاح طلبی که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به عنوان اصول حاکم بر استراتژی بازدارندگی بر آنها تاکید می‌کند، اصول بازدارندگی نیست، اصول تسلیم طلبی و بازندگی است.

سنگریندی توده‌ای، سازماندهی هر چه گسترده‌تر نافرمانی مدنی جوانان، کشاندن نبرد با تمامیت خواهان به اعماق اجتماع، ایجاد هسته‌های مقاومت مدنی، سازماندهی راهپیمایی‌ها و تظاهرات‌های توده‌ای حول شعار رفراندوم برای تعیین نوع نظام، آن راهکارهایی است که اکنون می‌تواند قدرت مافیای حاکم را به طور واقعی به چالش بگیرد. اصلاح طلبان حکومتی که نظر به جایگاهشان قادر به اتخاذ این راهکارها نیستند سرنوشتی ندارند جز این که به پشت میله‌های زندان بروند. برای نجات کشور از چنگال آیت‌اله‌های خون‌آشام و آقا‌زاده‌های غارتگرشان اولین چیزی که باید به طور قاطع طرد و ترک شود، همان اصول اساسی اصلاح طلبی است. تا زمانی که در بر پاشنه این اصول بچرخد، آرامش فعال و بازدارندگی فعال تنها نام‌های متناقضی هستند برای مراحل مختلف یک سیاست واحد که به گوهر چیزی نیست جز تسلیم طلبی و مردم‌فریبی.

حضور مستقل اعتراضی کارگران در تجمعات شبه حکومتی نیازمند سازماندهی و هماهنگی است

اخیراً شوراهای اسلامی کار تهران بشدت از مصوبه مجلس در مورد تغییر زمان اجرای معافیت‌های مالیاتی انتقاد کرده و تاکید کرده است که با این تبعیض، کارگران به طور متوسط بین یک تا یک میلیون و دویست هزار ریال متضرر شده‌اند. موضوع این است که مجلس با مصوبه خود معافیت مالیاتی صاحبان سرمایه‌های کلان را جلو انداخته اما معافیت کارگران و کسبه جز را یکسال به تاخیر انداخته است. شوراهای اسلامی کار اعلام کرده است که در اعتراض به این مصوبه مجلس در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۵ تجمع اعتراضی برپا خواهد کرد.

تشکل‌هایی مانند شوراهای اسلامی کار برای کارگران کاملاً شناخته شده هستند. این تشکل‌ها به علت وابستگی خود به حکومت، هرگز نمی‌توانند مدافع واقعی کارگران باشند و نهایت هدفشان از اعتراضاتی که گاه البته